



فیلم نمی سازم که جواب بدهم فیلم می سازم که سؤال بسازم

مانی حقیقی
در نخستین برنامه
«فیلم پژوهی»
عنوان کرد:

متفاوت باشد و در تکرار نیفتیم. در مورد «اژدها وارد می شود»، شاید بشود گفت که بیشتر از همیشه از دل دغدغه های شخصی ام بیرون آمده، ولی به شکل عامدانه ای تلاش کردم در قالبی روایت شود که نه فقط ذهنی و فردی، بلکه مشارکتی و گفت و گو محور باشد. در ادامه، از حقیقی درباره نسبت واقعیت و تخیل در فیلم و نحوه ی مواجهه مخاطب با این دوگانه سوال شد. حقیقی در پاسخ گفت: تخیل و واقعیت در سینما رقیب یا دوگانه نیستند. در اژدها وارد می شود، اصراری بر تعیین تکلیف آنچه واقعی یا جعلی است نداشتم. برعکس، دوست داشتم مخاطب در تعلیقی مداوم بماند. گاهی تصور می کنیم مستند یعنی حقیقت و داستانی یعنی دروغ، اما هر دو فرم روایت اند. فیلم من نه دروغ می گوید، نه راست. فقط روایت می کند، آن هم با زبانی چندلایه. در ادامه مجری با اشاره به مؤلفه های متافیکشن و خودآگاهی روایت در فیلم، پرسید که چطور این تکنیک ها در دل قصه ای معمایی و به ظاهر خطی جا گرفته اند. حقیقی در پاسخ گفت: واقعیتش این است که از ابتدا طرح روشنی برای متافیکشن نداشتم. بیشتر، از دل بازی با فرم های مستند و داستانی، این ویژگی بیرون آمد. وقتی شما آدم هایی را وارد فیلم کنید که نقش خودشان را بازی می کنند ولی در متنی ساختگی، خود به خود وارد نوعی خودآگاهی روایت می شوید. برای من، بازی کردن با ساختار مهم تر از وفاداری به هرگونه خاصی از روایت بود. در بخش دیگری از پنل، از مانی حقیقی درباره نقش عنصر فضا و لوکیشن در شکل گیری جهان فیلم سؤال شد. او پاسخ داد: جزیره ی قشم، گورستان، کشتی به گل نشسته، صداها، خاک، درخت ها! همه ی این ها فقط عناصر صحنه نیستند، شخصیت اند. همیشه برایم مهم بوده که فضا به تنهایی بار دراماتیک و معنایی داشته باشد. حتی انتخاب رنگ و بافت در فیلم برداری هم در خدمت این هدف بود که فضا حرف بزند، مستقل از دیالوگ یا کنش. در پایان این پنل، برخی حاضران در سالن، نظرات و پرسش هایی درباره جنبه های فرمی و محتوایی فیلم مطرح کردند.

می توان جلوی این جریان را گرفت؟ به نظر می رسد نه، چرا که این جریان، قدرت زیادی پیدا کرده و صفحات مجازی اش با همین لحن توهین آمیز تغذیه می شوند. تنها کاری که می توان کرد، برگزاری برنامه هایی از این جنس است تا حداقل از زهر این جریان کاسته شود. او ادامه داد: فیلم پژوهی بزرگداشت یک فیلم یا یک فیلم ساز خاص نیست؛ بزرگداشت خود سینماست. بزرگداشت احترام به مخاطبی است که می خواهد در عمق آثار هنری تأمل کند. احترام به احساسی است که خانواده سینما به آن نیاز دارد. خیلی خوشحالیم که در گام نخست، با یک فیلم ساز درجه یک و یک فیلم درخشان آغاز می کنیم؛ هر دو شایسته احترام اند. در ادامه این برنامه، پانته منصوره با موضوع «بررسی دره تندیگی ژانری و حقیقت واژگون: کارکرد عناصر سودو. داکومنتری در این اثر»، رامتین شهبازی با موضوع «بازی نشانه های تخیل ژیلبر دوران در بازنمایی تصویری فرهنگ عامه در این اثر»، مجتبی ارحام صدر با موضوع «بررسی معرفت توده و تاریخ جنون در نگاهی روانکاوانه»، حسین حیدری با موضوع «اژدها وارد می شود؛ وضعیت پست مدرن» و پرویز جاهد (به صورت ویدیویی) با موضوع «متاسینما و روایت خودبازتابانه مانی حقیقی در این اثر» به ارائه دیدگاه های پژوهش محور خود درباره فیلم «اژدها وارد می شود» پرداختند. در ادامه برنامه، پنل گفت و گوی ویژه ای با حضور مانی حقیقی، به دبیری امیرحسین بابایی و با همراهی مسیح نوروزی برگزار شد. در این بخش، علاوه بر طرح پرسش هایی از سوی مجریان، برخی از مخاطبان نیز نظرات و سوالات خود را با کارگردان فیلم در میان گذاشتند. مانی حقیقی در پاسخ به نخستین پرسش این نشست درباره نسبت سینمای شخصی با جریان اصلی سینما گفت: نمی دانم دقیقاً تعریف سینمای شخصی چیست، ولی اگر منظور از آن، داشتن امضای مشخص و وفاداری به یک جهان بینی باشد، بله، همیشه تلاشم همین بوده. اما در عین حال برایم مهم است که هر فیلم تجربه ای

نخستین برنامه «فیلم پژوهی» با بررسی فیلم «اژدها وارد می شود» ساخته مانی حقیقی، ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۹ مرداد توسط انجمن مدرسان سینما و با همکاری خانه هنرمندان ایران، در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در ابتدای نشست، بهنام حسینی رییس انجمن مدرسان، گفت: برنامه ای که انجمن مدرسان سینمای ایران طراحی کرده و با همکاری خانه هنرمندان برگزار می شود، با هدف ترویج نگاه تحلیلی و پژوهشی به سینما شکل گرفته است. امیدوارم این نشست بتواند رویکرد تحلیل محور و آکادمیک را در میان مخاطبان سینمایی مان تعمیق بخشد و توجه آن ها را به این شیوه نگاه به فیلم ها جلب کند. امیرحسین بابایی که دبیری این رویداد را برعهده داشت، در ادامه این برنامه، درباره هدف آن توضیح داد: سینمای ایران پر از فراز و نشیب است. در زمان هایی که سینمای ما شکوفا بوده، علاوه بر همراهی و هم افزایی سینماگران طراز اول، حضور جدی پژوهشگران و منتقدان کاربرد نیز در این موفقیت ها مشهود بوده است. در مقابل، هر جا که سینمای ایران دچار افت و رکود شده، می توان رد پژوهش های فرمایشی، رفع تکلیفی و نقد های سطحی و شتاب زده را یافت؛ نقدهایی که متأسفانه این روزها زیاد با آن مواجه می شویم. واقعیت تلخ این است که امروز بدنه سینمای ایران روی خوشی به پژوهش و پژوهشگر نشان نمی دهد. با این حال، در مواجهه با نقد، چاره ای جز واکنش ندارد. اما همان طور که خود شما بهتر می دانید، در این روزگار، نقد سینمایی از اصالت نقد هنری فاصله زیادی گرفته است. بسیاری از این نقدها نه تنها روشنگر نیستند، بلکه گمراه کننده اند، فرهنگ ساز نیستند و اغلب با تخریب و توهین همراه اند. بابایی در ادامه بیان کرد: یکی از پدیده های نگران کننده این است که وقتی فیلم سازان با چنین نقدهایی مواجه می شوند، گاهی دچار ناامیدی و تردید می شوند؛ مخصوصاً وقتی تلاششان را در سطح یک فیلم جهت دار تقلیل می دهند. از همه بدتر، آنجاست که منتقد در ظاهر می خواهد از فیلم یا فیلم ساز تعریف کند، اما با نگاهی تحقیرآمیز می گوید: «با وجود بازی بد، فیلم برداری بد، موسیقی بد!» یک صحنه خوب بود! این لحن، عمیقاً تحقیرآمیز است. آیا

